

رسول پویان

چشم عبرت آموز

سیاست گربه مبنای فریب و چال و چم باشد
به چشمان حقیقت خاک باد و دود و دم باشد
نداند شهروند ساده دل راه خودش از چاه
به ترفند سیاسی دایماً در پیچ و خم باشد
به فرهنگی که رسم انتقام و کینه جا گیرد
همیشه جنگ خونین وحشت جور و ستم باشد
اگر ویروس تبعیض و تعصب در بدن آید
به جای اتحاد و همدلی درد و الم باشد
ز آیین مساوات و عدالت گر شوی بیرون
به گوش زندگانی قصه سود و سلم باشد
وگر با صلح و آزادی نسازی کاخ استقلال
فقط جنگ و تجاوز وحشت باروت و بم باشد
نگردد تا حقوق شهروندی در وطن جاری
همیشه جنگ قومی گیرودار بیش و کم باشد
اگر قانون استدلال را بیرون کنی از بحث
به جای گفتمان منطقی خیل و حشم باشد
ز ساز بی توازن گوش دل آزرده می گردد
مقام تن تنا ترتیب و نظم زیر و بم باشد
به گفتار غرض آلود بی دردان مکن باور
که آنان را نه پروای وطن، فکر شکم باشد
برای نسل آدم زندگانی مرگ تدریجی است
به چشم آرزو گر خار هستی و عدم باشد
فریب غمزه چشم خیالی را مخور از دور
که رسم آشنایی رو به رو سر تا قدم باشد
ز چشم عبرت آموزی اگر بینی به اطرافت

کتاب زندگانی پر ز امثال و حکم باشد
خدا را تا بکی در حلقه زنجیر می بندند
حدیث جنگ ترسا و مسلمان و صنم باشد
دل بینا نگرده با خط دفتر فقط محدود
به هرسو جلوه گاه شور تصویر و رقم باشد

2016/4/29